

Submit Date: 16 June 2025
Revise Date: 25 September 2025
Accept Date: 01 October 2025
Initial Publish: 07 October 2025
Final Publish: 23 September 2026

The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law

Powers and Responsibilities of Legal Representatives of Incapacitated Persons in Iranian and Iraqi Law

Bilal Qasim Mohammed Al- Tameemi¹, Maryam Ghorbanifar^{*2}, Ahmed Neamah Atiyah Al Adilee³, Marzieh Nikouei²

1. PhD student in privat law, Department of Privat law, Isf.C., Islamic Azad University, Isfahan, Iran

2. Department of Private Law, Isf.C., Islamic Azad University, Isfahan, Iran

3. Assistant Professor, Department of law, Faculty of law, University of wasit, wasit, Iraq

* Corresponding Author's Email: m290.ghorbanifar@iau.ac.ir

ABSTRACT

The protective function toward incapacitated persons (including minors, prodigals, and the mentally incompetent) in the legal systems of Iran and Iraq is based on formal legal mechanisms such as guardianship (wilāyah), testamentary guardianship (waṣāyah), tutorship (qayyūmiyyah), and trusteeship (amīn). This article, using a comparative method, analyzes and examines the range of powers and responsibilities of the legal representatives of incapacitated persons in Iranian and Iraqi law. It addresses the principal categories of legal representatives (such as guardian, testamentary guardian, tutor, and trustee) and the practical challenges in protecting incapacitated persons. By analyzing the scope of both financial and non-financial authorities of representatives, the supervisory systems of the two countries (public prosecutor, family court, and protective organizations) are compared, and solutions are offered to strengthen protection for incapacitated persons. The findings show that in both systems, representatives (guardian, testamentary guardian, tutor, and trustee) are obliged to observe the best interests of the incapacitated person and are subject to judicial oversight; however, there are differences in supervisory methods and the scope of authority. Challenges such as the complexity of the process for appointing a tutor, weakness in practical oversight, and lack of legal awareness are also analyzed.

Keywords: *incapacitated persons, legal representatives, guardianship, tutorship, Iranian law, Iraqi law*

How to cite: Al- Tameemi, B. Q. M., Ghorbanifar, M., Al Adilee, A. N. A., & Nikouei, M. (2026). Powers and Responsibilities of Legal Representatives of Incapacitated Persons in Iranian and Iraqi Law. *The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law*, 4(3), 1-15.



تاریخ ارسال: ۲۶ خرداد ۱۴۰۴
تاریخ بازنگری: ۳ مهر ۱۴۰۴
تاریخ پذیرش: ۶ مهر ۱۴۰۴
تاریخ چاپ اولیه: ۱۵ مهر ۱۴۰۴
تاریخ چاپ نهایی: ۱ مهر ۱۴۰۵

دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی

اختیارات و مسئولیت‌های نمایندگان قانونی محجورین در حقوق ایران و عراق

بلال قاسم محمد التمیمی^۱، مریم قربانی فر^{۲*}، احمد نعمه عطیه العادلی^۳، مرضیه نیکویی^۴

۱. دانشجوی دکتری، گروه حقوق خصوصی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران

۲. گروه حقوق خصوصی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران

۳. استادیار گروه حقوق، دانشکده حقوق، دانشگاه واسط، واسط، عراق

* پست الکترونیک نویسنده مسئول: m290.ghorbanifar@iau.ac.ir

چکیده

عملکرد مبتنی بر حمایت از محجورین (از قبیل: صغار، سفیهان و مجانین) در سیستم حقوقی ایران و عراق مبتنی بر مکانیسم‌های قانونی مانند ولایت، وصایت، قیمومت و امین است. مقاله حاضر با روش تطبیقی به تحلیل و بررسی مجموعه اختیارات و مسئولیت‌های نمایندگان قانونی محجورین در حقوق ایران و عراق می‌پردازد. مهمترین مصادیق نماینده قانونی (از قبیل: ولی، وصی، قیم، امین) و چالش‌های عملی در حمایت از محجورین می‌پردازد. با تحلیل حدود اختیارات مالی و غیرمالی نمایندگان، نظام‌های نظارتی دو کشور (دادستان، دادگاه خانواده، سازمان‌های حمایتی) مقایسه شده و راهکارهای تقویت حمایت از محجورین ارائه می‌شود. یافته‌ها نشان می‌دهد که در هر دو نظام، نمایندگان (ولی، وصی، قیم و امین) موظف به رعایت مصلحت محجور و نظارت قضایی هستند، اما تفاوت‌هایی در شیوه‌های نظارتی و محدوده اختیارات وجود دارد. چالش‌هایی مانند پیچیدگی فرآیند نصب قیم، ضعف نظارت عملی و کمبود آگاهی حقوقی نیز مورد تحلیل قرار گرفته‌اند.

کلیدواژگان: محجورین، نمایندگان قانونی، ولایت، قیمومت، حقوق ایران و عراق

نحوه استناددهی: قاسم محمد التمیمی، بلال، قربانی فر، مریم، نعمه عطیه العادلی، احمد، و نیکویی، مرضیه. (۱۴۰۵). اختیارات و مسئولیت‌های نمایندگان قانونی محجورین در حقوق ایران و عراق. *دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی*، ۴ (۳)، ۱-۱۵.

مقدمه

به طور کلی «محجور» به شخصی گفته می‌شود که در قوای ذهنی و دماغی او اختلال وجود دارد و به تنهایی قادر به رعایت و تشخیص مصلحت خود نیست و قانونگذار خود را موظف به حمایت از او می‌بیند.

محجوریت در حقیقت شرایطی برای فرد محجور فراهم ساخته است که لازم است مورد حمایت قرار گیرد. حمایت قانونی از حقوق محجور و رعایت غبطه و مصلحت اوست به نحوی که متضرر نگردیده و تا زمانی که از نظر قانونی توانایی و اهلیت بیابد امور او به بهترین نحو ممکن اداره شود (Al-Hashimi, 2020; Safaei, 2020).

در واقع محجورین به علت ناتوانی در اداره امور حقوقی شان مورد حمایت قانون قرار گرفته‌اند. آن‌ها از تصرف در اموال و حقوق مالی خود ممنوع هستند و تصرفات آن‌ها بسته به مورد باطل یا غیر نافذ است ولی در مواردی حمایت از محجور ایجاب می‌کند که تصرف آن‌ها صحیح باشد و نیازی به مداخله نماینده قانونی آن‌ها نباشد لذا مکانیزم‌های قانونی برای حمایت از آن‌ها لحاظ شده است (Katouzian, 2006; Mohammadi, 2021).

در نظام حقوقی ایران و عراق حمایت از محجوران ایجاب می‌کند که اشخاصی به نمایندگی از آن‌ها موظف به اداره امور حقوقی آن‌ها باشند. نمایندگی از محجورین بر سه قسم است ۱- ولایت ۲- وصایت و ۳- قیمومت. ولایت به دو شاخه تقسیم می‌شود ۱- ولایت ولی قهری که عبارت است از ولایت پدر و جد پدری ۲- ولایت وصی. وصی کسی است که از ناحیه طرف پدر یا جد پدری و در حدود اختیاراتی که ولی قهری به او داده است در امور حقوقی محجورین دخالت و ان را اداره می‌نماید (قانون مدنی ایران، ماده ۱۱۸۰ و ۱۱۸۸ و ۱۲۱۸؛ قانون المدنی للعراق، ماده ۴۰ و ۹۴).

با توجه به اینکه محجورین به سه دسته تقسیم می‌شوند می‌توان گفت به صورت کلی دسته اول از این افراد عبارتند از صغار، که

صغار نیز به صغیر غیر ممیز و صغیر ممیز تقسیم بندی می‌شوند. صغیر غیر ممیز به طور کلی قادر به انجام هیچ گونه عمل حقوقی اعم از مالی و غیرمالی نمی‌باشد و کلیه اعمال وی باطل و بی اعتبار است لذا صرفاً ولی و وصی یا قیم وی حق اداره امور او را دارد. دسته دوم عبارتند از سفها که این دسته اشخاصی هستند که به سن بلوغ رسیده و بالغ شده اند ولی به سن رشد نرسیده‌اند و در نتیجه بعلت رسیدن به بلوغ حجر آن‌ها در امور غیر مالی خاتمه و نسبت به انجام امور مذکور مستقل گردیده اند در نتیجه در امور غیرمالی نیاز به حمایت قانون گذار ندارند ولی در امور مالی همچنان محجور و نیاز به حمایت قانونی دارند، با این حال قانونگذار مطلقاً اعمال حقوقی مالی آن‌ها را باطل ندانسته بلکه آن را غیر نافذ و اعتبار و نفوذ آن را وابسته به تایید یا رد ولی یا قیم آن‌ها دانسته است (قانون مدنی ایران، ماده ۱۲۰۷ و ۱۲۱۲ و نظریه مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه، ش ۷/۹۳؛ قانون المدنی للعراق، المادة ۱۰۵) (Al-Hashimi, 2020; Katouzian, 2006).

دسته سوم عبارتند از مجانین، مجنون شخصی است که به طور کلی فاقد عقل و قدرت تشخیص است و خود به دو دسته مجنون دائمی و مجنون ادواری تقسیم می‌شود. مجنون دائمی به صورت مطلق و مجنون ادواری در دوره جنون تحت حمایت قانونی هستند. بعلت جنون کلیه اعمال حقوقی آن‌ها باطل است و صرفاً ولی یا قیم آن‌ها حق مداخله و اداره امور حقوقی آن‌ها دارند اما مجنون ادواری در دوره هوشیاری کلیه اعمال حقوقی او صحیح است مشروط بر اینکه هوشیاری و افاقه او اثبات گردد (قانون مدنی ایران، ماده ۱۲۱۱ و رای وحدت رویه دیوان عالی کشور، ش ۶۳۲؛ قانون المدنی للعراق، المادة ۱۰۶).

ایران به عنوان یکی از طرف‌های کنوانسیون حقوق کودک، موظف به رعایت حقوق کودک و حمایت از بهترین منافع وی است. این کنوانسیون بر اهمیت مشارکت کودک در تصمیم‌گیری‌های مربوط به خود تأکید دارد. با این حال، در مواردی که کودک به دلیل سن

یا رشد عقلی ناکافی قادر به اتخاذ تصمیمات مناسب نیست، حجر حمایتی می‌تواند به عنوان یک مکانیسم حمایتی به کار رود. در حقوق عراق نیز، حجر حمایتی به منظور حمایت از کودکان در نظر گرفته شده است. قوانین عراق، مشابه قوانین ایران، بر اهمیت حفاظت از حقوق کودک تأکید دارند و حجر حمایتی را به عنوان یکی از ابزارهای این حفاظت می‌شناسند. آثار حجر حمایتی در حقوق عراق، به طور کلی مشابه آثار آن در حقوق ایران است و شامل عدم امکان انجام معاملات، ازدواج، اقامه دعوی و نیاز به ولی یا قیم می‌باشد. عراق نیز مانند ایران، به کنوانسیون حقوق کودک پیوسته است و موظف به رعایت مفاد آن می‌باشد. این کنوانسیون بر اهمیت مشارکت کودک در تصمیم‌گیری‌های مربوط به خود تأکید دارد و در عین حال، به ضرورت حمایت از کودکانی که به دلیل سن یا رشد عقلی ناکافی قادر به اتخاذ تصمیمات مناسب نیستند، اشاره می‌کند (کنوانسیون حقوق کودک، مصوب ۱۹۸۹ ماده ۱۲ و ۳؛ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان، مصوب ۱۳۹۹؛ قانون الحجر الحمایی للاطفال للعراق، رقم ۷۸ لسنة ۱۹۸۰). لذا مقاله حاضر با هدف تحلیل و بررسی اختیارات و مسئولیت‌های نمایندگان محجورین در حقوق ایران و عراق با روش تحلیل و بررسی به شکل تطبیقی به تبیین انواع نمایندگان قانونی، شروط اعتبار اعمال نمایندگان و آثار حقوقی تصمیمات نمایندگان نیز می‌پردازد. همچنین آثار حقوقی تصمیمات نمایندگان آنها می‌پردازد.

انواع نمایندگان قانونی

انواع نمایندگان قانونی در حیطه قوانین ایران و عراق می‌تواند در قالب‌های ذیل ساختار یابد:

ولی

در گستره حقوق ایران، ولی به شکل قهری شامل پدر و جد پدری است که به صورت خود ساخته و بدون احتیاج به حکم دادگاه بر فرد محجور ولایت دارد. در این حیطه قانون مدنی ایران اذعان

می‌دارد: «طفل صغير تحت ولایت قهری پدر و جد پدری خود می‌باشد» (قانون مدنی ایران، ماده ۱۱۸۰) به طوری که اعمال حقوقی ولی قهری بعد از رشد صغیر و زوال حجر نیز نافذ می‌باشد و مولی علیه حق فسخ یا ابطال آن را نخواهد داشت. مگر اینکه بتواند ثابت کند که اقدام ولی با هدف رعایت مصلحت او انجام نشده است.

همچنین وکیل‌ای که فرد ولی جهت انجام دادن وظائف خویش اخذ می‌کند، با پایان یافتن ولایت به صورت زوال حجر یا فوت ولی، فسخ خواهد شد با این اوصاف اگر وکالت برای فرد مولی علیه باشد با منقضی شدن ولایت نیز برطرف نخواهد شد.

این در حالی است که هرگاه ولی قهری مال مولی علیه را برای مدتی بیشتر از دوران حجر او اجاره می‌دهد، در رابطه با نفوذ اجاره بعد از زوال محجوریت، اختلاف نظر وجود دارد. بر اساس نظر مشهور، چنین موردی، نافذ نیست (Emami, 1989). با این اوصاف، نافذ بودن اجاره قول قوی‌تری می‌باشد (ماده ۴۹۹ قانون مدنی ایران) (عقود معین، ج ۱، ش ۲۴۷).

با این اوصاف، در دادگاه‌های کشور ایران، اختیارات ولی قهری گاهی محدود می‌شود (ماده ۳۱۳ آیین دادرسی مدنی). همچنین در مواردی که مباشرت فرد محجور، شرط می‌باشد و عدم اهلیت، مانند انشاء وصیت، لعان و سوگند است.

نکته مهم اینکه اصل اولیه و اساسی بر این است که اقدام کردن ولی قهری در جهت اعمال فرد محجور، در واقع نوعی غبطه برای مولی علیه محجور است لذا تا وقتی که خلاف این امر به اثبات نرسیده باشد، نفوذ به لحاظ حقوقی را دارا می‌باشد. با این اوصاف، محدوده این اصل صرفاً در رابطه با اموری است که احتمال سود و زیان آن وجود دارد. (همانند خرید و فروش و اجاره) در مواردی که اقدام کردن ولی بر اساس عادت یا ذات آن ضرری است (مانند بخشیدن، گرو گذاشتن جهت وام دیگری، شوهر دادن بدون اخذ مهریه، عفو قصاص و...) از این رو به نظر می‌رسد که ولی لازم

اولا: مجموعه تصرفات مالی و اقتصادی نیاز به تایید دادگاه دارد (ماده ۹۵ قانون المذنی العراقي)
ثانیا: جهت انعقاد معامله های کلان، کارشناسی دادگاه الزامی است.
وصی

در رابطه با وصی در گستره حقوق ایران، شخصی که توسط ولی قهری (پدر یا جد پدری) برای سرپرستی محجور بعد از فوت او انتخاب می شود، وصی می باشد که بر اساس موادی از قانون مدنی ایران، این شکل از دخالت وصی در امور محجور به گونه ای است که می تواند توسط پدر یا جد پدری انجام شود به این معنا که پدر یا جد پدری می تواند برای اولاد خود وصی معین کند (ماده ۱۱۸۸ قانون مدنی ایران).

همچنین این شخص باید قابلیت های خاصی داشته باشد. به این معنا که باید عادل و قابل اعتماد باشد. (ماده ۱۱۸۶ قانون مدنی) در این حیطه شرایط اعتبار اعمال وصی به گونه ای است که:

اولا: دادگاه باید بر عملکرد وصی نظارت کند. و پدر یا جد پدری به فردی که به وصایت معین نموده است، اختیار تعیین وصی بعد از فوت خود را برای مولی علیه می تواند اعمال نماید (ماده ۱۱۹۰ قانون مدنی ایران).

ثانیا: برای امور غیر مشروع وصیت امکان پذیر نمی باشد. همچنین هیچ یک از پدر و جد پدری این اختیار را ندارند که با حیات دیگری برای مولی علیه خویش وصی معین نمایند (ماده ۱۱۸۹ قانون مدنی).

این در حالی است که در صورتی که وصی منصوب از سوی ولی قهری نسبت به نگهداری یا تربیت طفل مولی علیه یا اداره امور وی اقدام نمایند یا از انجام وظائف خود امتناع ورزند منعزل خواهند شد (ماده ۱۱۹۱ قانون مدنی) و حکم انزال مذکور اعلامی می باشد و تاثیرات آن از تاریخ تحقق امتناع یا کاهلی وی می باشد و نباید آن را با مقوله عزل فرد وصی که ناظر به زمان آینده است و جنبه تاسیسی دارد اشتباه گرفت.

است خلاف ظاهر و وجود غبطه صغیر را در دادگاه ثابت کند و قبل از آن ولی اختیار اقدام در این رابطه را نخواهد داشت (قانون مدنی در نظم حقوق کنونی، صص ۷۱۳-۷۱۴).

از سوی دیگر، در مواقعی که ثابت شود که ولی قهری به شکلی عمد یا با انجام تبانی با دیگری عملکردی را به ضرر مولی علیه انجام داده است، عملکرد وی نافذ نخواهد بود. افزون بر این، هرگاه طرف قرارداد از سوء نیت فرد ولی آگاهی ندارد (ماده ۱۰۷۴ قانون مدنی) با این وجود احتمال نفوذ و مسئولیت ولی قهری نیز داده شده است نیز شامل این امر می شود. همچنین در مواقعی که فرد ولی قهری جهت اداره اموال مولی علیه و احتفاظ مصلحت وی اقدام می نماید ولی در تمیز و تشخیص مصلحت او دچار اشتباه می شود و نتیجه کار به زیان مولی علیه به اتمام می رسد، معامله نافذ خواهد بود ولی اگر ولی قهری تقصیر کرده باشد در مقابل فرد مولی علیه، دارای مسئولیت خواهد بود.

همچنین در قانون بیان شده: «ولایت قهری با مرگ ولی یا جنون او ساقط می شود» (قانون مدنی ایران، ماده ۱۱۸۳)

در این گستره، شرایط اعتبار اعمال ولی به گونه ای است که:

اولا: تصرفات مالی لازم است که به نفع محجور باشد (ماده ۱۱۸۵ قانون مدنی)

ثانیا: در امور مهمی مانند فروختن اموال غیر منقول، نیاز ضروری به اجازه دادستان وجود دارد (ماده ۱۱۸۶ قانون مدنی).

این در حالی است که در گستره قانون عراق، ولی شامل پدر و جد پدری است با این وجود نظارت دادگاه جنبه ای پررنگ تر ایفا می کند. همچنین بر اساس ماده ۴۰ قانون احوال شخصیه (برای شیعیان) ولایت بر فرد صغیر بر پدر و جد پدری است. و بر اساس ماده ۹۴ قانون مدنی عراق، دادگاه این اختیار را دارد که در صورت سوء استفاده ولی، وی را عزل نماید.

در این گستره، شرایط اعمال ولی به گونه ای است که:

در گستره حقوق ایران، فرد قِیم به فردی اطلاق می‌شود که از سوی دادگاه جهت اداره کردن کارهای مالی و همچنین کارهای غیر مالی کودک یا افراد محجوری که به علت صغر، دیوانگی یا سفاهت توانای انجام و اداره کردن امور خویش را ندارند تعیین و منصوب می‌گردد. چراکه در قانون صراحتاً بیان شده که هرگاه ولی قهری طفل محجور گردد، مدعی العموم این وظیفه را دارد که بر اساس مقررات مربوط به تعیین قِیم، فرد قیمی را برای طفل تعیین نماید. (ماده ۱۱۸۵ قانون مدنی) تکلیف مورد نظر در زمانی است که طفل ولی قهری دیگر یا وصی را نداشته باشد. در غیر این صورت، با وجود ولی یا وصی، دادستان و حتی دادگاه، حق دخالت کردن در امور محجور را نخواهند داشت (قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، ص ۷۱۵).

این تعیین شدن و در واقع این نوع انتصاب در حالی است که فرد محجور دارای ولی قهری نیست یا اگر ولی قهری دارد، این ولی توانمندی اداره امور او را نداشته یا به علت‌هایی دارای صلاحیت لازم نباشد به طوری که عدم صلاحیت او توسط دادگاه به احراز رسیده باشد.

به طور کلی در قوانین ایران به گونه‌ای است که برای صغاری که ولی خاصی ندارند، برای دیوانگان و اشخاص غیر رشیدی که جنون یا عدم رشد آن‌ها به زمان صغر آن‌ها متصل شده و دارای ولی خاص نمی‌باشند. همچنین برای دیوانگان و افراد غیر رشیدی که جنون آن‌ها یا عدم رشد آن‌ها به زمان صغر آن‌ها متصل نباشد، قِیم نصب خواهد شد (ماده ۱۲۱۸ قانون مدنی). چنین افرادی، افراد تحت قیمومت می‌باشند.

در رابطه با نصب قِیم تکلیف پدر و مادر است که به دادستان، اعلام نماید. لذا در منطق قانون ایران صراحتاً بیان شده که هر یک از ابوبین مکلف می‌باشند که در ماوردی که به موجب ماده ۱۲۱۸ باید برای اولاد آن‌ها قِیم تعیین گردد، مراتب مورد نظر را به

اطلاع دادستان حوزه اقامت خویش یا به نماینده دادستان برسانند و از او تقاضا کنند که اقدامات لازم را جهت نصب قِیم اعمال نماید (ماده ۱۲۱۹ قانون مدنی) (Emami, 1989).

لذا در هر موردی که فرد دادستان به گونه‌ای به وجود شخصی که بر اساس ماده ۱۲۱۸ قانون مدنی ایران برای وی لازم است قِیم منصوب گردد، لازم است دادگاه از نوع مدنی باشد لذا دادگاه صالح جهت نصب قِیم در گستره قوانین ایران، دادگاه مدنی خاص می‌باشد که این نوع دادگاه از بین افراد مذکوری که معرفی شده حکم نصب را صادر نماید همچنین این دادگاه اختیار لازم را دارد که علاوه بر فرد قِیم، یک نفر یا چندین نفر را به عنوان فرد ناظر معین کند. در این صورت، دادگاه نیز لازم است که حدود و اختیارات فرد ناظر را نیز تعیین نماید (ماده ۱۱۲۲ قانون مدنی ایران) (Emami, 1989).

امین

در گستره قوانین ایران، شخص امین برای اداره اموال محجورین منصوب می‌شود و معمولاً مسئولیت نگهداری و حفظ اموال را بر عهده دارد. در گستره قوانین ایران، هرگاه ولی قهری به علت مواردی مانند غائب بودن یا محبوس بودن یا به هر علتی که او را از انجام وظائفش منع نماید نتواند به کارهای مولی علیه رسیدگی نماید، فرد قاضی یک فرد امین را به پیشنهاد مدعی العموم جهت تصدی و اداره اموال مولی علیه و موارد دیگری موقتاً معین خواهد نمود. (ماده ۱۱۸۷ قانون مدنی) منطق قانون مذکور حاکی از آن است که قرارداد این نوع امین جهت انجام کارهای فرد مولی علیه، به شکلی موقت است زیرا منحصر در مواردی غیبت یا حبس یا ناتوانی ولی قهری در برخی مواقع می‌باشد.

این در حالی است که اختیار امین در موردی که ولی به علت غیبت یا حبس شدن یا مواردی از این قبیل به کارهای مولی علیه خود رسیدگی نمی‌کند گسترده می‌باشد به طوری که به تنهایی می‌تواند درباره امور مولی علیه تصمیمات را اخذ نماید. اما در صورتی که

عملکرد نماینده مذکور نظارت داشته باشد و از وی گزارش بطلبد یا در برخی مواقع که صلاح ببیند نماینده را عزل نماید. شخص نماینده نیز لازم است از جهت قانونی دارای اهلیت باشد به این معنا که عاقل و بالغ باشد و از جهت روحی و روانی مشکلی نداشته باشد.

وجود محدوده خاص جهت اعمال اختیارات

با توجه به اینکه جهت اعمال اختیارات از سوی فرد نماینده برای و به نفع فرد محجور لازم است صورت گیرد، محدوده خاصی برای اعمال مذکور وجود دارد. برخی از مصادیقی که تعیین کننده محدوده مذکور می‌باشند عبارتند از:

اداره اموال

در رابطه با اداره اموال احتفاظ و نگهداری اموال محجور و مدیریت کردن دارایی‌ها و سرمایه گذاری‌ها که به نفع فرد محجور باشد قرار می‌گیرد. همچنین، پرداخت بدهی‌ها و هزینه‌های ضروری محجور نیز بر عهده فرد نماینده می‌باشد. اجازه دادن یا فروش اموال با اجازه دادگاه در مواردی که به نفع فرد محجور باشد نیز از رسالت‌های نماینده است. گزارش دهی به دادگاه در مورد نحوه اداره اموال نیز می‌باشد.

بر اساس قوانین عراق نیز حفظ و نگهداری اموال محجور، مدیریت دارایی‌ها و سرمایه گذاری‌ها به نفع فرد محجور همچنین پرداخت بدهی‌ها و هزینه‌های ضروری محجور همچنین گزارش دهی به دادگاه در مورد شیوه اداره اموال می‌باشد. در صورتی نیاز، فروش یا اجازه اموال با اجازه دادگاه نیز از سوی فرد نماینده می‌تواند صورت پذیرد.

ازدواج و طلاق

در امور غیر مالی مانند نکاح و طلاق و اقرار به نسب، اصل اولیه عدم اختیار فرد ولی قهری است و صرفاً در اموری نمایندگی دارد که قانون به او اجازه داده باشد (ماده ۸۸ ق ا ح و ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی).

به علت ناتوانی ضعف جسمی و پیری باشد، به ولی ضمیمه می‌شود و در واقع نوعی معاون برای او تلقی می‌گردد (ماده ۱۱۸۴ قانون مدنی، اصلاحی سال ۱۳۷۹) (Emami, 1989).

شرایط اعتبار اعمال نمایندگان

با توجه به این نکته که در قانون ایران و عراق اعمال نمایندگان محجورین به گونه‌ای است که در زمانی معتبر شناخته می‌شود که بر اساس مقررات قانون و شرایط مندرج در قانون باشد، می‌توان گفت که باید ضوابطی در این حیطه رعایت شود تا دارای اعتبار گردد. مجموعه شرایط مذکور به صورت ذیل می‌تواند ساختار داشته باشد:

لزوم دارا بودن صلاحیت‌های ویژه برای فرد نماینده

نمایندگان قانونی فرد محجور لازم است دارای صلاحیت‌های ویژه قانونی جهت نمایندگی باشند. چنین صلاحیتی لازم است در وهله اول بر اساس حکم دادگاه یا بر اساس نفس قانونی که این اختیارات را به فرد جهت نماینده بودن اعطا می‌کند صورت گیرد. این در حالی است که لازم است شخص نماینده قانونی جهت انجام برخی اعمال حقوقی مانند فروختن اموال فرد محجور یا منعقد ساختن قراردادهایی که از اهمیت زیادی برخوردار است، مجوزات لازم را از دادگاه اخذ نماید.

همچنین دادگاه و مراجع قضائی عملکرد فرد قیم را نظارت نموده و می‌توانند بر اساس قوانین مربوطه بر نحوه عملکرد او تصمیم گیری نمایند. این امر نوعی کنترل موسوم به کنترل قضایی نام دارد. لذا اعمال نمایندگان فرد محجور لازم است در محدوده قوانین و با رعایت کردن مصلحت و منفعت فرد محجور انجام گیرد. و این نقطه مشترک بین قوانین ایران و عراق است.

چراکه در قوانین عراق، نماینده لازم است از طریق حکم دادگاه یا سایر اسناد قانونی، عنوان سمت نمایندگی فرد محجور را دارا باشد. چنانکه در برخی مواقع نیز این امکان وجود دارد که دادگاه بر

تصمیمات خویش، مصلحت محجور را در نظر بگیرد و از منافع و مصلحت او دفاع می‌کند.

از سوی دیگر تفاوت‌های جزئی در قوانین عراق و ایران وجود دارد که بر اساس شرایط خاص هر پرونده ممکن است تفاوت را ایجاد نماید.

لزوم نظارت ویژه دادگاه بر تصمیمات نمایندگان و رعایت اصول ویژه پایدار

در رابطه با نظارت ویژه دادگاه بر تصمیمات نمایندگان محجورین صرفاً یک الزام و لزوم قانونی نیست. بلکه نوعی ضرورت و لزوم حقوقی و اجتماعی است که ریشه در اصول بنیادین حمایت از حقوق افراد آسیب پذیر و جلوگیری از سوء استفاده دارد. چنین نظارتی از زوایای مختلف حقوقی همچنین جامعه شناختی قابل بررسی است:

در رابطه با مبانی حقوقی لزوم نظارت ویژه از سوی دادگاه موارد ذیل قابل بررسی است:

اصل لزوم حمایت حقوقی از افراد ناتوان

این اصل از سوی هر دو نظام حقوقی ایران و عراق، مورد تاکید و تایید قرار گرفته است. هر دو نظام حقوقی ایران و عراق، بر اصل حمایت از حقوق افراد ناتوان در اداره امور خود استوار می‌باشند. محجوریت به معنای سلب یا محدود شدن اهلیت است و به تبع آن، نیاز به یک نهاد نظارتی (دادگاه) برای تضمین حفظ حقوق و منافع محجور وجود دارد.

اصل تضاد منافع

نماینده محجور (قیم یا ولی) این امکان را دارد که در موقعیتی قرار بگیرد که منافع شخصی وی با منافع محجور در تضاد باشد. به عنوان مثال، فروش اموال محجور برای تامین منافع شخصی نماینده باشد که در مباحث پیشین بیان شد. نظارت دادگاه این تضاد منافع را کنترل می‌کند و از سوء استفاده جلوگیری می‌نماید.

اصل لزوم مسئولیت پذیری

در گستره حقوق عراق، در مورد افراد نابالغ ازدواج به هیچ وجه مجاز نخواهد بود و برای افراد بالغ، ازدواج با اجازه دادگاه و با در نظر گرفتن مصلحت فرد محجور امکان پذیر خواهد بود. نظر ولی در این مورد قابل توجه می‌باشد ولی الزامی نخواهد بود (Al-Hashimi, 2020).

در گستره قوانین ایران، نماینده قانونی محجور این حق را ندارد که به صورت مستقیم از طرف فرد محجور طلاق بگیرد ولی می‌تواند درخواست طلاق را به دادگاه ارائه دهد. خصوصاً اگر ادامه زندگی مشترک برای محجور مضر باشد، تصمیم نهایی با دادگاه خواهد بود.

در گستره قوانین عراق، ولی این اختیار را دارد که درخواست طلاق را به دادگاه ارائه بدهد خصوصاً اگر ادامه زندگی مشترک برای فرد محجور مضر باشد. و در اینجا نیز تصمیم نهایی با دادگاه می‌باشد (Al-Hashimi, 2020).

انعقاد معاملات

انعقاد معاملات مالی فرد محجور مانند خرید و فروش‌ها در قوانین ایران و عراق به دست خود فرد محجور انجام نمی‌شود چراکه شرایط لازم برای انعقاد معاملات را به هیچ وجه دارا نمی‌باشد. بلکه شخص نماینده وی ولی یا قیم او است که به دست آنها انجام می‌گردد. لذا اعمال اختیارات توسط نماینده فرد محجور جهت انعقاد معاملات می‌تواند در محدوده قانون انجام گیرد. چنانچه ارائه خدمات بانکی مثلاً گشودن اعتبار اسنادی به فرد محجور ممنوعیت داشته و به دست نماینده قانونی وی قابلیت انجام دارد.

تحلیل و بررسی تطبیقی

نکته مهم این که در هر دو کشور ایران و عراق دادگاه یا محکمه به صورت مستمر، نظارت کامل بر عملکرد نماینده قانونی فرد محجور دارد لذا می‌تواند در صورت لزوم، می‌تواند نماینده را از سمت خود برکنار نماید. نماینده قانونی وظیفه دارد در تمامی

همچنین نماینده در قبال خسارت‌هایی که ناشی از تقصیر یا غفلت او وارد شود، مسئولیت دارد. لذا یکی از آثار حقوقی حقوقی اعمال نمایندگان مسئولیت داشتن است.

نظارت دادگاه و وجود ضمانت‌های اجرای تخلفات

اعمال نمایندگان تحت نظارت دادگاه قرار دارد. لذا دادگاه می‌تواند در صورت لزوم، اعمال آن‌ها را اصلاح یا ابطال کند.

حسابداری و جواز انعقاد معاملات

نماینده وظیفه دارد که در پایان هر سال حساب مالی خود را به دادگاه ارائه دهد. همچنین نماینده این اختیار را دارد که در حدود اختیارات خویش، معاملات را به نفع فرد محجور انجام دهد. ولی برخی معاملات مانند فروختن اموال غیر منقول، نیاز به اجازه دادگاه دارد.

نماینده داشتن در دعاوی

نماینده می‌تواند به جای محجور در دعاوی حقوقی و کیفری شرکت کند و از حقوق او دفاع نماید.

تحلیل و بررسی تطبیقی تفاوت‌های ساختار نظارتی در کشور

ایران و عراق

با توجه به مقایسه قوانین دو کشور در حیطه آثار مذکور می‌توان بر این نکته تاکید کرد که در کشور عراق، قانون حمایت از افراد دارای معلولیت نقش مهمی در تعیین حقوق و تکالیف نمایندگان محجورین ایفا می‌کند. این قانون بر تضمین حقوق افراد دارای معلولیت و حمایت از آن‌ها تاکید دارد.

همچنین در حقوق عراق، مفهوم «محافظ» گسترده‌تر از «وصی» در حقوق ایران است و می‌تواند برای افراد بالغی که به علت مشکلات مالی یا اجتماعی قادر به اداره امور خود نیستند نیز تعیین شود.

مضافاً اینکه در حقوق عراق، تاکید بیشتری بر احتفاظ استقلال و خودگردانی محجورین وجود دارد. نماینده باید در اعمال خود، خواسته‌ها، منافع و مصلحت محجور را در نظر داشته باشد.

نماینده محجور در قبال اموال و حقوق محجور مسئولیت دارد. نظارت دادگاه این مسئولیت را تقویت می‌کند و نماینده را ملزم به ارائه گزارش و پاسخگویی در مورد عملکرد خود می‌سازد.

اصل منع مداخله در امور داخلی افراد

با وجود محدودیت‌های قانونی، هدف نهایی نظارت دادگاه، حفظ استقلال و احترام به حقوق محجور است. نظارت لازم است به حدی باشد که حقوق محجور را تضمین نماید. ولی به آزادی و حریم شخصی او تجاوز نکند.

آثار حقوقی تصمیمات نمایندگان

مجموعه اعمالی که نمایندگان محجورین (قیم یا سرپرست در ایران و ولی یا قیم در کشور عراق) انجام می‌دهند دارای آثار حقوقی متعددی است و این بر اساس ماهیت عمل، مشروعیت آن و میزان انطباق آن با مصلحت محجور تفاوت دارد.

از آنجا که محجوریت حقوقی هر دو کشور به معنای فقدان اهلیت قانونی برای انجام برخی یا تمامی امور مالی و حقوقی است، فقدان اهلیت این معنا را دارد که ناشی از صغر سن، دیوانگی سفاهت یا حجر باشد در چنین مواردی، جهت احتفاظ حقوق محجور نماینده تعیین می‌شود که بتواند به جای او عمل کند این نماینده بسته به نوع محجوریت و شرایط می‌تواند قیم، وصی یا ناظر باشد.

در گستره حقوق ایران، اعمال نمایندگان محجورین تحت عنوان نمایندگی قانونی شناخته می‌شود و بر اساس آیین دادرسی مدنی و قوانین مدنی تنظیم می‌گردد.

لذا مهمترین آثار حقوقی اعمال نمایندگان در حقوق ایران و عراق عبارتند از:

مسئولیت و تعهد آور بودن

یکی از آثار مهم حقوقی در گستره حقوق ایران و عراق، تعهد آور بودن و وجود مسئولیت است. اعمال نمایندگان برای محجورین لازم الاجرا می‌باشد مگر اینکه ثابت شود که اعمال آن‌ها به ضرر فرد محجور بوده است.

لذا یکی از بزرگترین چالش‌ها، کمبود آگاهی عمومی و حتی تخصصی در مورد حقوق محجورین و وظایف قیم یا سرپرست است. بسیاری از خانواده‌ها و حتی خود قضات در مورد نحوه صحیح حمایت از محجورین اطلاعات کافی ندارند.

فقدان تخصص کافی نمایندگان محجورین

نبود تخصص کافی نمایندگان به گونه‌ای است که برخی از وصی‌ها و قیم‌ها ممکن است تخصص کافی و لازم در زمینه مدیریت مالی و حقوق را نداشته باشند و این امر می‌تواند به ضرر فرد محجور ختم گردد. و این یکی از چالش‌های مورد نظر است.

وجود مشکلات حسابداری در حسابرسی

ارائه گزارشات مالی شفاف و دقیق از سوی نمایندگان گاهی اوقات با مشکلاتی مواجه می‌گردد و این امر، فرآیند نظارت را دشوار می‌نماید.

عدم توجه کافی به خواسته‌های فرد محجور

در برخی مواقع، خواسته‌ها و منافع محجور در تصمیم‌گیری‌های نمایندگان نادیده گرفته می‌شود. این در حالی است که در حقوق عراق نیز برخی از مهمترین چالش‌ها عبارتند از:

وجود بی‌ثباتی و امنیتی

بی‌ثباتی سیاسی و امنیتی در عراق می‌تواند اجرای قوانین و رویه‌ها را با مشکلاتی مواجه سازد. و مانع از ارائه خدمات مناسب به محجورین گردد.

وجود فساد اداری

فساد اداری در سیستم قضایی و اداری عراق می‌تواند منجر به سوء استفاده از اختیارات نمایندگان و نقض حقوق محجورین گردد.

کمبود منابع مالی و اقتصادی

کمبود منابع مالی می‌تواند ارائه خدمات حمایتی و نظارتی مناسب به محجورین را با مشکل مواجه سازد.

فقدان زیرساخت‌های لازم

تحلیل تطبیقی این دو سیستم حقوقی در این رابطه حاکی از آن است که مجموعه اعمال نمایندگان محجورین در حقوق ایران و عراق، با هدف حفظ حقوق و اموال محجورین انجام می‌شود. توضیح اینکه در هر دو کشور، نمایندگان دارای اختیارات و مسئولیت‌های مشخصی هستند و اعمال آن‌ها تحت نظارت دادگاه قرار دارد. با این حال، تفاوت‌هایی نیز در قوانین و رویه‌های مربوط به این موضوع وجود دارد که ناشی از تفاوت‌های فرهنگی، اجتماعی و تاریخی دو کشور است.

چالش‌های عملی و پیشنهادات اصلاحی

مهمترین چالش‌های موجود در سیستم حقوقی ایران و عراق در قالب بندی ذیل است:

در رابطه با قوانین موجود در کشور ایران می‌توان برخی از چالش‌ها را بر شمرد:

پیچیدگی فرآیند تعیین وصی و قیم

در این رابطه می‌توان گفت که فرآیند تعیین کردن قیم یا وصی به لحاظ مدت می‌تواند طولانی و پیچیده باشد. چنین امری ممکن است که موجبات تاخیر در رسیدگی به امور محجور را فراهم سازد و این یکی از چالش‌های مترتب بر قوانین مذکور در این رابطه می‌باشد.

وجود ضعف در نظارت عملی

وجود ضعف در نظارت عملی به رغم وجود نظارت‌های قضائی از دیگر چالش‌هاست. نظارت عملی بر اعمال نمایندگان غالباً ضعیف است و از این رو امکان سوء استفاده در این مورد وجود دارد.

وجود کمبود آگاهی

کمبود آگاهی عمومی و تخصصی در مورد حقوق محجورین و وظائف نمایندگان آن‌ها می‌تواند منجر به نقض حقوق محجورین گردد.

کمبود زیرساخت‌های لازم مانند دفاتر حقوقی و مراکز مشاوره می‌تواند دسترسی محجورین به خدمات حقوقی و حمایتی را محدود کند.

عدم هماهنگی بین نهادها

عدم هماهنگی بین نهادهای مختلفی که در زمینه حمایت از حقوق محجورین فعالیت می‌کنند می‌تواند منجر به تکراری شدن عملکردها و کاهش کارایی شود.

وجود مشکلات فرهنگی

در برخی مناطق کشور عراق، نگرش‌های سنتی و فرهنگی ممکن است مانع از حمایت حقوق محجورین گردد.

در این حیطه، مهمترین نقاط قوت موجود در سیستم حقوقی کشور ایران عبارتند از:

وجود قانون مدنی جامع

قانون مدنی ایران چارچوب نسبتاً جامعی برای مسائل مربوط به نمایندگی قانونی و حمایت از حقوق محجورین را فراهم ساخته است.

وجود نظارت قضائی قدرتمند

سیستم نظارت قضائی بر اعمال و رفتارهای قیم و وصی نسبتاً قوی می‌باشد و دادگاه این اختیار را دارد که در صورت سوء استفاده یا تقصیر، مداخله نماید.

وجود نهادهای حمایتی

سازمان بهزیستی و سایر نهادهای حمایتی در ایران در ارائه خدمات و حمایت‌های لازم به محجورین و نمایندگان آنها نقش دارند.

توسعه رویه‌های قضائی

رویه‌های قضائی در این زمینه در حال توسعه است و این به روشن شدن ابهامات و ایجاد رویه‌های یکنواخت کمک می‌کند.

همچنین مهمترین نقاط قوت موجود در سیستم حقوقی کشور عراق عبارتند از:

وجود قانون حمایت از حقوق افراد معلول

قانون مذکور دارای رویکرد حمایتی و حقوق بشری به موضوع معلولیت و محجوریت دارد و بر تضمین حقوق افراد دارای معلولیت تأکید می‌ورزد.

توسعه مفهوم «محافظ»

گسترش مفهوم مذکور به افراد بالغی که به علت وجود مشکلات اجتماعی یا مالی - اقتصادی قادر به اداره امور خود نمی‌باشند، می‌تواند محدوده حمایت را گسترش دهد.

تأکید بر مستقل بودن محجور

تأکید بر احتفاظ استقلال و خودگردانی محجورین در تصمیم‌گیری‌ها، می‌تواند به توانمندسازی آنها کمک کند.

وجود اهتمام کافی برای ایجاد رویه‌های شفاف

دولت عراق در تلاش است که رویه‌های شفاف و کارآمد در زمینه تعیین نظارت بر نمایندگان محجورین، ایجاد نماید.

نتیجه‌گیری

به طور کلی، حقوق ایران در زمینه نمایندگی محجورین از یک چارچوب قانونی نسبتاً جامع برخوردار است، اما با چالش‌هایی مانند نظارت عملی ضعیف و کمبود آگاهی مواجه است. حقوق عراق نیز با چالش‌هایی مانند بی‌ثباتی سیاسی، فساد اداری و کمبود منابع مالی مواجه است، اما قانون حمایت از حقوق افراد دارای معلولیت و تأکید بر استقلال محجور، نقاط قوت قابل توجهی به شمار می‌روند.

برای بهبود وضعیت نمایندگی محجورین در هر دو کشور، لازم است که بر تقویت نظارت قضائی، افزایش آگاهی عمومی، آموزش نمایندگان، و بهبود هماهنگی بین نهادهای مختلف تمرکز شود. همچنین، توجه به خواسته‌ها و منافع محجورین در تصمیم‌گیری‌ها، امری ضروری است.

با توجه به مطالب مذکور، نتایج ذیل به ذهن متبادر می‌شود: کشور ایران و کشور عراق، به لحاظ نوع حکومتی که دارند، در خصوصیت‌های جمهوری بودن و دموکراتی بودن نیز مشابه

هر دو کشور الزامی می‌باشد و نمایندگان موظف به رعایت مصلحت محجور هستند و تصرفات زیان بار آنان قابل ابطال است. همچنین یافته‌ها حاکی از آن است که در سیستم حقوقی کشور ایرانف ولایت قهری در قالب پدر و جد پدری خود به خود و بدون نیاز به دادگاه اعمال می‌شود در حالی که در کشور عراق، نظارت دادگاه به شکلی پر رنگ‌تر جلوه می‌نماید.

در سیستم حقوقی کشور عراق، حجر حمایتی برای افراد بالغ فاقد صلاحیت مالی (به جز افراد سفیه) در نظر گرفته شده است همچنین شروط وصی در کشور ایران با تاکید ورزیدن بر عدالت و دارا بودن صلاحیت اخلاقی تنظیم شده است این در حالی است که در کشور عراق، نقش دادگاه در گزینش وصی پررنگ‌تر می‌باشد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

The legal protection of incapacitated persons represents a crucial dimension of both private and public law and has been historically shaped by social, ethical, and religious imperatives. Incapacitation arises when individuals such as minors, prodigals, or those suffering from mental incompetence cannot safeguard their own interests and thus require legal substitutes to act on their behalf. In Iran and Iraq, the protective legal frameworks have been constructed on mechanisms including guardianship (*wilāyah*), testamentary guardianship (*waṣāyah*), tutorship (*qayyūmiyyah*), and trusteeship (*amīn*). The aim is to preserve the rights and welfare of incapacitated persons, referred to as *mahjoor*, ensuring that no harm befalls them while their affairs are managed until they regain legal capacity (Al-Hashimi, 2020; Safaei, 2020). Both legal systems stipulate that persons lacking full legal capacity are barred from

یکدیگر می‌باشند. اگرچه تفاوت‌هایی مانند نیمه ریاستی بودن جمهوری در ایران و پارلمانی بودن جمهوری در عراق وجود دارد. در نوع مسئولیت مدیران در شرکت‌های سهامی نیز بین دو کشور با توجه به نوع سیستم حقوقی شان نقاط اشتراک و تفاوت نیز وجود دارد.

در حیطه دموکراتیک بودن دو کشور نیز به لحاظ مقدم شدن مواضع اسلامی نسبت به مبانی دموکراتیک یا ضرورت اسلامی بودن دموکراتیک در کشور ایران نیز تفاوت‌هایی با کشور عراق وجود دارد و اینکه به لحاظ فدرالی بودن عراق در مقابل ریاستی بودن در ایران، تفاوت‌هایی در سازه‌های حقوقی گسترده نیز مشهود است و این از جهت‌های تفاوت بین کشور ایران و عراق می‌باشد. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که هر دو سیستم حقوقی کشور ایران و عراق، بر حمایت کردن از فرد محجور و لزوم نمایندگی قانونی (مشمول بر: ولایت، وصایت و قیمومت) تاکید می‌ورزند. در این حیطه نظارت قضایی بر عملکرد نمایندگان در

independent financial and non-financial transactions; yet, in certain instances, the law validates some actions without requiring the direct intervention of a representative to ensure functional autonomy (Katouzian, 2006; Mohammadi, 2021). Iran and Iraq converge on the principle that the law must create structured representation to balance protection with the limited participation of incapacitated individuals in their own legal and personal matters.

Within the Iranian and Iraqi legal contexts, incapacitated persons are generally classified into three categories, each with distinct implications for representation: minors, prodigals, and the mentally incompetent. Minors, including both *non-discerning* and *discerning* minors, have sharply differing capacities. Non-discerning minors are incapable of performing any legal act; their transactions are void, and only a guardian or court-appointed representative may act for

them. Discerning minors possess limited capacity in non-financial matters, but their financial actions remain non-effective without the ratification of a guardian or tutor (Al-Hashimi, 2020; Katouzian, 2006). The second category, *safih* individuals, refers to those who have reached puberty but not maturity and thus retain autonomy in personal, non-financial affairs but need legal oversight in financial dealings. Third, persons with mental disorders—permanent or periodic insanity—are either fully incapable or partially capable when lucid; yet, legal proof of lucidity is required to validate their actions. These categories influence the structure of representation: guardianship, testamentary guardianship, tutorship, and trusteeship form a layered framework responsive to both the degree and permanence of incapacity (Emami, 1989). Additionally, international obligations shape these frameworks. Iran and Iraq, as signatories to the Convention on the Rights of the Child (1989), integrate protective incapacitation mechanisms while upholding the child's participation rights, thereby balancing safeguarding with gradual autonomy.

A detailed comparative examination of legal representatives highlights both functional equivalence and systemic divergence between Iran and Iraq. In Iran, paternal and paternal-grandfather guardianship (*wilāyah qahriyyah*) arises automatically without court intervention; the presumption is that their actions serve the best interest of the minor unless proven otherwise. Yet certain high-impact transactions—especially those involving immovable property—require approval from the public prosecutor to ensure protective oversight (Iranian Civil Code, Articles 1185–1186). Testamentary guardians (*wasi*) designated by a father or paternal grandfather can succeed after the death of the appointing guardian, but their appointment must comply with conditions of integrity and

competence, and their actions remain under judicial review (Emami, 1989). Tutors (*qayyem*) are judicially appointed when no natural guardian or valid testamentary guardian exists, typically following notification by the parents to the public prosecutor as required by law (Iranian Civil Code, Articles 1218–1219). The court not only appoints but may also assign supervisors to check the tutor's management of property and personal welfare matters (Emami, 1989). Trustees (*amin*), conversely, are temporary custodians of property when a guardian is absent or temporarily unable to act, ensuring no gap in protection (Emami, 1989). Iraq adopts similar categories but emphasizes continuous court oversight: even paternal guardians are more tightly monitored, and judicial approval is mandatory for many economic acts (Iraqi Civil Code, Article 95). Moreover, Iraq extends the concept of protective incapacitation to financially vulnerable adults, recognizing a broader protective remit beyond minors and the insane (Al-Hashimi, 2020).

The exercise of authority by legal representatives is conditioned by explicit statutory safeguards to protect the incapacitated person from exploitation and to align all acts with their best interests. Financial powers are among the most regulated: representatives must preserve and manage property, pay debts, and invest assets prudently while seeking judicial permission for significant alienations or encumbrances. Annual reporting and accounting duties are designed to ensure transparency and enable court supervision (Emami, 1989). In personal matters such as marriage and divorce, Iranian law limits the representative's power; marriage typically requires the minor's best interest and, in some cases, court confirmation, while divorce cannot be directly initiated by the representative but may be requested through judicial channels if

continuation of marriage is harmful. In Iraq, however, the representative, usually with court approval, may request divorce on behalf of the incapacitated person when justified (Al-Hashimi, 2020). Contractual capacity and banking activities also remain strictly within the representative's prerogative, shielding the incapacitated from obligations they cannot understand or control. Both jurisdictions stress the mental and moral competence of representatives; courts can revoke their powers for negligence, self-dealing, or failure to safeguard the ward's welfare (Emami, 1989). Despite these safeguards, the practical effectiveness of legal representation is challenged by systemic and contextual deficiencies. In Iran, procedural complexity in appointing tutors or testamentary guardians can delay protective measures, leaving wards temporarily unprotected. Weaknesses in practical supervision, despite statutory judicial control, allow room for exploitation and mismanagement. Limited public and professional awareness of the rights of incapacitated persons and the duties of their representatives compounds these vulnerabilities (Al-Hashimi, 2020; Katouzian, 2006). Representatives themselves may lack the necessary financial or legal expertise, undermining the sound administration of the ward's estate. Transparent accounting and timely judicial audits are often lacking, reducing accountability. Iraq shares many of these weaknesses but faces additional contextual obstacles, including political and security instability, which disrupts consistent enforcement and oversight. Administrative corruption and limited financial resources further hinder robust protective systems. Cultural attitudes, especially in rural or tribal settings, can discourage formal recourse to courts and lead to informal and sometimes abusive arrangements (Al-Hashimi, 2020). Both countries thus confront a gap between

formal protective frameworks and their effective realization in practice.

Notwithstanding these challenges, important structural strengths provide a foundation for reform and modernization of protective legal representation. Iran benefits from a comprehensive civil code that defines clear categories of incapacity and representation, relatively strong statutory judicial oversight, and supportive institutions such as welfare organizations that can assist vulnerable families. A developing body of judicial precedent also helps unify standards and reduce ambiguity. Iraq shows progress in expanding protective categories beyond traditional definitions, reflecting modern understandings of vulnerability, and its emphasis on preserving the independence and autonomy of protected adults is a forward-looking approach. The recognition of persons with disabilities and financial vulnerability within protective regimes reflects a more human-rights-centered vision. Both systems reveal opportunities to build capacity through judicial training, create specialized oversight bodies, and integrate international norms with local practice to enhance protection and empower wards.

In conclusion, a comparative legal analysis of Iranian and Iraqi frameworks governing the powers and responsibilities of representatives of incapacitated persons demonstrates both shared protective aims and context-driven divergences. Each system anchors representation in respect for the ward's welfare while designing layered mechanisms of guardianship, testamentary guardianship, tutorship, and trusteeship. Yet effective protection demands more than legal design: it requires practical oversight, professional competency, and cultural acceptance. Strengthening judicial monitoring, improving the transparency of financial management, expanding education for families and legal practitioners, and fostering inter-institutional

coordination are critical to bridging the gap between theory and practice. Building on their respective strengths, both countries can modernize protective legal frameworks to ensure that the incapacitated are not only shielded from harm but are also supported toward maximum autonomy and dignity.

References

- Al-Hashimi, R. (2020). Guardianship Laws in Iraq: A Comparative Study. *Baghdad Legal Journal*.
- Emami, S. H. (1989). *Civil Law*. Islamiya Publications.
- Katouzian, N. (2006). *Specified Contracts*. Ganj-e Danesh Publishing.
- Mohammadi, A. (2021). *A Comparative Study of the Representation of the Incapacitated in Iranian and Iraqi Law* [University of Tehran].
- Safaei, S. H. (2020). *Civil Code in the Current Legal Order*. Mizan Publishing.